

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه دهم، ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

موضوع: فقه المشاورة/مشاوره ی اسلامی /ارکان و اصول مشاوره ی اسلامی - نمایندگان مشاوره ی اسلامی

1- حدیث اخلاقی (برخی از توصیه های اخلاقی امام جواد (علیه السلام))

1.1- سه خصوصیت مورد نیاز مؤمن

قال الجواد علیه السلام رجل، أوصني قال: وتقبل؟ قال: نعم، قال: توسد الصبر، واعتنق الفقر، وارفض الشهوات، وخالف الهوى، واعلم أنك لن تخلو من عين الله، فانظر كيف تكون [1].»

روز ولادت حضرت امام جواد (علیه السلام)، مولود مبارک ولایت و امامت است. حدیث اخلاقی را در محضر این امام همام هستیم. شخصی محضر امام جواد (علیه السلام) مشرف شد و گفت: «أوصني»؛ مرا وصیت کنید. فرمودند: «و تقبل»؟ اگر سفارش کنم، می پذیری؟ بعد [در حدیث دیگری] خودشان فرمودند: مؤمن، نیاز به سه خصلت دارد: «توفیق من الله وَ وَاِعْظُ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولُ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ»؛ [2] توفیق الهی و واعظ درونی و قبول نصیحت دیگران. گفت: «نعم.»

1.2- تکیه گاه قراردادن صبر

فرمودند: «تَوَسَّدِ الصَّبْرَ.»

«تَوَسَّدَ»، یعنی فرد، تکیه گاه داشته باشد. عرف عرب ها غیر از عرف ما فارس ها است. بالش در پذیرایی ها محل تکیه است؛ هم برای استراحت است و هم تکیه گاه. از عمودهای مهم در سیر و سلوک صبر است. «صبر»، یک گیاه تلخی است که طبیب برای اعتدال مزاج بیمار استفاده می کند [3]. گیاه صبر، معروف است. در کلام حضرت امام جواد (علیه السلام) است که صبر را تکیه گاه خود قرار بده. در تلخی های روزگار، باید تکیه گاه داشت که در سیر و سلوک، لازم است صبر داشت. باید باطن مشکلات را دید که مجاهد پرور و انسان پرور است.

1.3- همگامی با فقر

«وَ اعْتَنِقِ الْفَقْرَ»؛

گرددن به گردن فقر باش. همگام با فقر باش. این فقر اقتصادی است که انسان، چیزی در دستش نباشد و یا خیر؟ «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» [4]. «این فقر اقتصادی نیست. این، همان

فقری است که «الْفَقْرُ فَخْرِي [5]». ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ﴾ [6]. نیاز، خدای انسان را بلند می‌کند. این فقر وجودی است، نه اقتصادی. فقر اقتصادی را باید برطرف کرد. فقر وجودی، انسان را به غنا می‌رساند. در فرازی از الهی‌نامه گفتیم: «الهی! گرچه غنی نیستیم، ولی مستغنی هستیم.»

1.4- دور کردن شهوات از خود

«وَأَرْفِضِ الشَّهَوَاتِ»؛

شهوات و میل‌ها را از خودت دور کن. شهوات، مصادیق مختلف می‌تواند داشته باشد. هرچه انسان به آن میل کند و او را از حق دور کند، شهوت است.

1.5- مخالفت با هوای نفس

«خَالِفِ الْهَوَى»؛

هم شهوات و هم هوی به کار رفته است این دو مرحله است. شهوات میل‌های مختلف است ولی هوی چیزی است که انسان را به زمین می‌زند. چیزی که دون شأن شماسست و از مقامتان شما را پایین می‌آورد.

1.6- توجه به وجود خود در محضر الهی

آخرین سفارش ایشان

«وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَإِنْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ»؛

بدان که تو در دید الهی هستی. ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ﴾ [7]. نگاه کن ببین چگونه هستی. توجه به مقام خودت داشته باش. سالک، مراقب است که کجاست و کجا می‌خواهد برود. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ [8]». «ما در محضر خدا هستیم. خدا رحمت کند کسی که بداند کجاست و از کجا آمده و کجا می‌رود. اگر جلوی ما کودکی باشد، خدای نکرده گناه می‌کنیم؟ ما در محضر خدا هستیم. ﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾ [9]. ماه رجب، ماه مراقبت است. مراقبه و مشارطه داشته باشیم. با خودمان شرط بگذاریم که اگر ما خدا را نمی‌بینیم، خدا ما را می‌بیند. در محضر او گناه نکنیم.»

2- گزیده‌ی جلسه گذشته

نیاز به مشاوره، خدمت‌تان عرض شد. عرض شد که تعریف مشاوره، وجودی است و نه ماهوی. مشاوره‌ی اسلامی را عام می‌دانیم. مشاوره، [مراجعه‌ی] شخص آسیب‌دیده به شخص دیگری است که مشاور باشد. و این، قسمی از مشاوره‌ی اسلامی است.

3- ارکان و اصول مشاوره‌ی اسلامی

﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾، [10] هم امر مادی است و هم امر معنوی است. از آنجا که اسلام به کمالات معنوی توجه دارد، به این مسائل توجه دارد. رکن اسلامیت در مشاوره مهم است. در مراجعات روزمره، نیاز به مسائل معنوی داریم. مشاوره‌ی اسلامی، اصولش بر اساس انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روان‌شناسی است. هرچه مشاورین در این مسائل قوی‌تر باشند، مشاوره قوی‌تر است. مشاوره‌ی اسلامی، خداپاورانه و عقل‌مدار است. مشاوره‌ی اسلامی، هم باور است و هم یاور است. در مشاوره هرچه مشاور به حالات مُراجع آگاه‌تر باشد، مشاوره بهتر است. هرچه نفس مشاور قوی‌تر باشد، در مشاوره موفق‌تر است.

اصول مشاوره‌ی اسلامی به چهار اسم «اول» و «آخر» و «ظاهر» و «باطن» است. مشاوره‌ی اسلامی بر اساس عقلی است که تکیه به وحی دارد؛ ولی مشاوره‌های امروزی بر اساس حس است. ما مشاوره‌های عقل‌محور و خدامحور را قبول داریم. شعور، یک ادراک مرموز است. متصل به حقیقت باری تعالی است.

4- نمایندگان مشاوره‌ی اسلامی

نمایندگان این مشاوره‌ی اسلامی یا سردمداران مشاوره‌ی اسلامی و متولیان آن، انبیای الهی و اولیا و ائمه (علیهم‌السلام) هستند. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾ [11]. ما موظف به اطاعت این‌ها هستیم. به تصریح ائمه (علیهم‌السلام)، این اولی الامر، ائمه (علیهم‌السلام) و بعد عالمان هستند. ولایت فقیه، پیرو همین اولی الامر است. جایگاه فقهی با اعتقادی ولایت فقیه نباید خلط شود. هیچ فقیهی، منکر ولایت فقیه نیست؛ چرا که جایگاهش در امور اعتقادی است؛ بله در کارهای فقیه که امور حسبیه یا امور قضایی است و یا غیر آن، اختلاف نظر است. همین حرف را در مشاوره‌ی اسلامی می‌زنیم.

5- تفاوت مشاوره‌ی اسلامی با مشاوره‌ی غیراسلامی

خصوصی کردن و محدود کردن مشاوره‌ی اسلامی، از این است که غیر کارشناسانه حرف می‌زنند. همه به خدا و انبیا و بعد اولیای الهی الاعلم فالاعلم برمی‌گردد. اگر کسی مشکلی داشته باشد، دوستش می‌تواند حل کند. این مشاوره است. مشاوره‌ی اسلامی بر اساس عقل است و عقلی که بر اساس وحی است. وحی نیز رابطه‌ی بین خلق و حق است.

مشاور خوب آن است که از دیدن مُراجع، او را بفهمد. باید در حالات نفسانی خود قوی شود. ممکن است تشخیص دهد، تست بگیرد، یا سؤال و جواب کند؛ با حد و حدود شرعی اشکالی ندارد. مشاوره‌ی اسلامی باید بر اساس مبانی اسلامی باشد. فرق مشاوره‌ی اسلامی با غیرش مشخص شد.

[1] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۷۵، ص ۳۵۸.

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۷۵، ص ۳۵۸.

[3] لسان العرب، ابن منظور، ج ۴، ص ۴۴۲.

[4] الکافی - ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۲، ص ۳۰۷.

[5] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج ۶۹، ص ۳۲.

[6] سوره فاطر، آیه ۱۵.

[7] سوره فجر، آیه ۱۴.

[8] الوافی، الفیض الکاشانی، ج ۱، ص ۱۱۶.

[9] سوره علق، آیه ۱۴.

[10] سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

[11] سوره نساء، آیه ۵۹.